

۱ - ادعانامه دادستان نظامی علیه نهضت آزادی ایران

مقدمه

ادعانامه دادستان نظامی ارتش شاهنشاهی علیه نهضت آزادی ایران بطور مخفی صادر شد! مطبوعات دولتی، نه تنها اجازه نیافتند که اخبار محاکمات را منتشر سازند، بلکه حتی اجازه انتشار ادعانامه دادستان را نیز نداشتند. لذا نهضت آزادی ایران، خود آنرا جداگانه در همان زمان تکثیر و توزیع نمود. نسخه‌ای که توسط نهضت آزادی ایران تکثیر شده است دارای مقدمه‌ای است قبل از ادعانامه و مؤخره‌ای است بعد از پایان ادعانامه. در این مجموعه اسناد، ادعانامه دادستان عیناً با همان مقدمه و مؤخره‌ای که از جانب نهضت آزادی ایران در همان زمان چاپ شده است، می‌آید:

هموطنان عزیز و مبارز

ادعانامه زیر از طرف دادستان دادگاه نظامی علیه نهضت آزادی ایران آقامه شده است. متن آن بدون هیچگونه دخل و تصرف در اختیار شماست. آنرا به دقت بخوانید تا به دنائت و حماقت رژیم استعماری شاه پی ببرید. ادعانامه‌ایست علیه شخص دیکتاتور. شگفت آنکه تکثیر عین همین ادعانامه در ایران در شرایط کاملاً مخفی انجام گرفته است.

کیفرخواست

دادستان سرهنگ فخرالدین مدرس

موضوع اتهام: اقدام بر ضد امنیت کشور

گردش کار

پس از قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و انهدام حزب منحل‌شده، احزاب و دستجاتی که تحت عناوین مختلف فعالیت می‌نمودند دست از فعالیت برداشته و برخی از رهبران آنان که اتهامی داشتند دستگیر و عده‌ای

مخفی و متواری گردیدند. ولی بعد از مدتی مجدداً جمعی از آنان به طور مخفیانه گرد هم جمع شده و دست به تشکیل سازمانی به نام نهضت مقاومت ملی زدند.

در این سازمان‌ها عده معدودی از سران مخفی و گروهی از دانشجویان و عناصر افراطی عضویت یافتند و به طور کلی استقبال قابل ملاحظه‌ای از آن به عمل نیامد و از جمله افرادی که در نهضت مقاومت ملی فعالیت شدید و حاد داشتند جناحی بودند که به وسیله آقای مهندس مهدی بازرگان اداره می‌گردیدند و مخصوصاً رده‌های پایین تشکیلات نهضت مقاومت ملی را بیشتر این افراد به عهده داشتند.

نهضت مقاومت ملی [با اینکه] در سال‌های ۱۳۳۲ الی ۱۳۳۴ فعالیت تقریباً حادّی داشت ولی به تدریج فعالیت‌های آنان کاهش یافت و تنها به طور گاه و بیگاه به فعالیت مختلف از قبیل ۲۹ خرداد و یا ۳۰ تیر و غیره، اعلامیه‌هایی به طور مخفی چاپ و منتشر می‌نمودند. آقای مهندس بازرگان و همفکران و طرفداران وی، هم‌زمان با فعالیت در نهضت مقاومت ملی در خارج از کادر نهضت نیز فعالیت‌هایی داشتند ولی این فعالیت‌ها در لوای انجمن‌های مختلف اسلامی، نظیر انجمن اسلامی دانشجویان و معلمین صورت می‌گرفت و تحت پوشش تشکیل جلسات مذهبی سعی داشتند از تفرقه و پراکندگی هواخواهان و طرفداران خود جلوگیری و آنان را تا فرارسیدن فرصت مناسب و تجدید فعالیت علنی در اطراف خود نگه دارند. تا بهار سال ۱۳۳۹ وضع به همین منوال ادامه داشت، تا اینکه به مناسبت انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی و فرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مورد آزادی انتخابات و امکان شرکت کلیه دستجات و جمعیت‌ها در این انتخابات، سران و کارگردانان سابق جبهه ملی نیز در صدد برآمدند که به تجدید فعالیت علنی این جبهه پردازند و تقریباً از همین تاریخ نهضت مقاومت ملی عملاً منحل و کلیه سران و رهبران آن از جمله آقایان مهندس بازرگان، سید محمود طالقانی و دکتر یدالله سبحانی در روز سی‌ام تیر ماه سال ۱۳۳۹ طی انتشار اعلامیه‌ای آغاز دوره جدید فعالیت جبهه ملی را اعلام داشته و در جریان دو انتخابات تابستانی و زمستانی شرکت نموده و سرگرم گردآوری طرفداران و سازمان دادن به تشکیلات جبهه شدند.

عوامل وابسته به آقای مهندس بازرگان ضمن شرکت در فعالیت‌های جبهه ملی پیوسته در داخل جبهه مزبور جناح خاصی را تشکیل داده و بعضاً با سایر رهبران جبهه در زمینه‌های مختلف اختلافاتی داشته و به طور کلی معتقد به لزوم فعالیت شدیدتر و دست زدن به اقدامات حاد بوده‌اند.

در اثر اختلاف سلیقه‌ها و پاره‌ای اختلافات دیگر، آقای مهندس بازرگان و عده‌ای از دوستان و همفکران وی تصمیم به تشکیل جمعیت و سازمان مستقل گرفتند و در نیمه‌دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ تشکیل جمعیت نهضت آزادی به وسیله هفت نفر به عنوان اعضای هیئت مؤسس به شرح اسامی زیر:

آقایان مهندس مهدی بازرگان، سید محمود طالقانی، دکتر یدالله سبحانی مهندس منصور عطایی، حسن نزیه، عباس سمیعی و رحیم عطایی، رسماً اعلام گردید.

رئوس هدف‌های جمعیت نهضت آزادی ایران طبق آنچه در مرامنامه آن درج شده است به قرار ذیل است:

۱- از لحاظ سیاست داخلی- احیاء حقوق اساسی ملت ایران با استقرار حکومت قانون و مردم بر مردم و تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های قوای مختلف مملکتی و ترویج اصول اخلاقی و اجتماعی و سیاسی بر اساس مبانی دین مبین اسلام با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر حاضر.

۲- از لحاظ سیاست خارجی- مجاهدت برای تأمین بی‌طرفی ایران و تضمین آن وسیله دو بلوک شرق و غرب و ایجاد همبستگی بیشتر با ممالکی که با ما دارای علایق مشترک تاریخی و جغرافیایی، اجتماعی یا مذهبی هستند (کشورهای اسلامی) و اما در عمل روشن شده است که مرام و رویه جمعیت مزبور خارج از حدود مرامنامه آن بوده که به ظاهر منتشر شده و کارگردانان این جمعیت هدف دیگری داشته‌اند که برای رسیدن به این هدف از هیچ عملی فروگذار ننموده و نه تنها خود به قوانین اساسی و عادی کشور احترام نمی‌گذاشتند بلکه به اصول اخلاقی و غرور ملی نیز پای‌بند نبوده و از احساسات مذهبی مردم سوء استفاده و از آن جهت نیل به هدف اصلی استفاده و در مقام فراهم ساختن زمینه‌های مساعد جهت برهم زدن اساس امنیت و حاکمیت کشور و تغییر رژیم مشروطه سلطنتی ایران بوده‌اند و در این راه حتی با بیگانگان نیز در مقام برقراری ارتباط بوده با مخابره تلگرافی ملت ایران را اسیر در قید و بند معرفی و صریحاً کمک و همراهی آنان را تمنا نموده‌اند.

سازمان و تشکیلات و انجمن‌های وابسته

جمعیت نهضت آزادی دارای یک هیئت مؤسس (کمیته مرکزی) با شرکت ۷ نفر که نام آنها قبلاً ذکر شد و یک هیئت اجرائیه با عضویت آقایان مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، سید محمود طالقانی، رحیم عطایی و همچنین ظاهراً کمیته‌های سیاسی، تحقیق، دانشجویان، کارگران و کسبه و بازاریان می‌باشد ولی در حال حاضر عوامل و گرداننده فعالیت‌های جمعیت نهضت آزادی همین افراد نامبرده بالا بوده‌اند که تحت این عنوان نیات مکتوم خود را اجرا می‌نموده‌اند.

فعالیت‌های نشریاتی و تبلیغاتی جمعیت

فعالیت‌های نشریاتی جمعیت نهضت آزادی را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود:
نشریات نوبه‌ای و مسلسل که عبارتست از نشریه داخلی جمعیت که تقریباً هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌گردد و همچنین سلسله نشریاتی تحت عنوان «باحاشیه و بی‌حاشیه».
اعلامیه‌ها و نشریاتی که نوبه و موعد معین نداشته و به مناسبت‌های مختلف انتشار می‌یافته است. ضمن اعلامیه‌ها و نشریات دسته دوم، نشریات و اعلامیه‌هایی با امضاهای جعلی و عناوین ساختگی نیز به چشم می‌خورد که از آن جمله اعلامیه‌ایست به امضای حبیب‌الله شهبازی (که به اتهام اقدامات متجاسرانه و همکاری با اشرار فارس تحت تعقیب است) و همچنین اعلامیه‌ای تحت عنوان سران عشایر فارس که از طرف نهضت آزادی انتشار یافته است.

جمعیت نهضت آزادی برای چاپ اعلامیه‌ها و نشریات خود، ماشین پلی‌کپی در اختیار داشته که از منزل ابوالفضل حکیمی بدست آمده و با استفاده از این ماشین اعلامیه‌ها و نشریاتی گاه به امضای اصلی جمعیت و سازمان‌های وابسته و زمانی به امضای اصناف و جمعیت‌ها و افراد موهوم انتشار می‌یافته که ضمن آن به نحو فوق‌العاده زنده و موهنی به مقامات عالی‌رتبه کشور حمله و اهانت شده و به منظور برانگیختن احساسات مردم علیه مقامات عالی‌رتبه و فراهم ساختن زمینه یک شورش و اغتشاش دامن‌دار از جعل و نشر

هر گونه اتهام و نسبت‌های خلاف واقع فروگذار نمی‌شده کما اینکه این مطلب در نامه‌ای که از طرف هیئت اجرائیه نهضت آزادی ایران به امضای آقایان مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، سید محمود طالقانی، رحیم عطایی، خطاب به حضرت رئیس‌جمهور هند که به دعوت اعلیحضرت همایون شاهنشاه به ایران آمده بودند، نوشته شده و ضمن مدارک مکشوفه از ابوالفضل حکیمی به دست آمده است، کاملاً محسوس است و ضمن آن چنین نگاشته‌اند:

«ملت هند آزادی فکر و بیان را به بانگ بلند ندا می‌دهد ولی ملت ایران هنوز با تمام استحقاقی که برای آزادی و پیشرفت دارد در چنگال خودکامگی و فساد رژیم وحشت، گرفتار است.»

«رژیم پلیسی و حکومت استبدادی ایران برای به تأخیر انداختن نابودی خود و جهت افسون و فریب بیگانگان و محافل سیاسی جهان بدون اینکه به عمق اصلاحات اساسی ایمان داشته باشد، صحنه‌های بسیار فریبده و مضحکی از قبیل اصلاحات ارضی و آزادی زن‌ها ترتیب می‌دهد و شاه ایران که همه نیروهای مادی و معنوی ملت ایران را برای بهره‌برداری به حساب پس‌اندازهای مخفی خود در بانک‌های آمریکا و لندن و پاریس و ژنو استثمار می‌کند به کمک دستگاه‌های تبلیغاتی پول‌های بی‌حسابی که برای خریدن جراید اروپایی خرج می‌کند خود را در راس رستاخیز [ملی توخالی و مسخره قرار داده‌است.»

«آقای رئیس‌جمهور، ملت ایران مقدم شما را گرامی می‌دارد ولی متأسفانه شما را میهمان خود نمی‌داند زیرا نمی‌تواند با شما حرف بزند و از نزدیک احساسات خود را نسبت به ملت برادر هند بیان کند. شما متأسفانه میهمان کسی هستید که کوچک‌ترین پیوندی با ملت ایران ندارد و همه حرف‌ها و حرکات و رفتار او و نزدیکانش چیزی جز توهین به ملت ایران نیست و بدبختانه وجود او و دولت او، و سیاست او، ثمری جز ورشکستگی و خفت برای ملت ایران ندارد.»

همان‌طوری که قبلاً به عرض رسید جمعیت نهضت آزادی به موجب مرامنامه آن جمعیت، خود را طرفدار بی‌طرفی ایران و خواهان توسعه روابط با کشورهای اسلامی می‌داند و بر این مبنا می‌بایستی نسبت به کلیه کشورهای اسلامی دارای احساسات یکسان باشد ولی در عمل ملاحظه می‌گردد که به این نیت جامه عمل نپوشانده بلکه پیوسته سعی داشته‌اند با دولی رابطه حسنه داشته و به نفع آن تبلیغ نمایند که این دولت‌ها با دولت ایران دارای حسن‌رابطه نمی‌باشند و به همین مناسبت از هنگامی که دولت مصر با دولت ایران رابطه غیر عادی و غیر حسنه پیدا نموده، سران جمعیت نهضت آزادی بیشتر به طرف آن دولت متوجه شده و در نشریات و تبلیغات و جلسات خود سیاست داخلی و خارجی آن دولت را تأیید و زمامداران کشور ایران را به باد ناسزا گرفته‌اند تا جایی که به مناسبت تشکیل فدراسیون عربی، تلگراف تبریکی به سران کشورهای فوق‌الذکر مخابره و متن آن را پلی‌کپی و منتشر نموده‌اند که قسمتی از مندرجات این تلگراف ذیلاً درج می‌شود:

« . . تشکیل اتحادیه ممالک عربی را که گام بزرگی در راه خدمت به کشورهای عربی و سپس اسلامی است، به آنجناب تبریک‌گفته امیدواریم ما و سایر ممالک اسلامی اسیر نیز،

به زودی با جانفشانی‌های خود و کمک‌های ذی‌قیمت شما و سایر برادران آزاد شده‌کشورهای اسلامی، به کسب استقلال و تشکیل حکومت ملی نائل شویم.»

(نقل از اعلامیه موجود در پرونده مهندس عزت‌الله سبحانی) و همچنین اعلامیه دیگری از طرف جمعیت نهضت‌آزادی ایران در این زمینه صادر و تلگرافی نیز در این خصوص به نام طلاب حوزه علمیه قم مخابره شده است که اصل آنها در پرونده‌های موجود مضبوط است.

رویه و هدف واقعی جمعیت

همان‌طوری که قبلاً توضیح داده شد در مرامنامه جمعیت اشاره به اجرای کامل قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه مملکتی می‌نماید ولی در عمل رویه و هدف این جمعیت غیر از مواردی است که در مرامنامه پیش‌بینی شده است برای توضیح مطلب اشاره به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

الف - در تاریخ ۴۲/۳/۲۶ هنگامی که آقایان مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی (متهم‌های ردیف ۱ و ۲) از زندان قصر به زندان قزل‌قلعه منتقل می‌شدند در موقع حمل اثاثیه زندانیان چهار برگ نامه که عبارت از دو برگ متن اعلامیه‌ای که در زندان قصر تهیه و تصمیم به چاپ و نشر آن داشته‌اند و دو برگ دیگر که متن اعلامیه مورد بحث را مورد تفسیر قرار داده و دستوراتی در مورد تصحیح و چگونگی چاپ و نشر اعلامیه مورد بحث داده شده بود، از داخل اثاثیه آقای دکتر سبحانی کشف شد که در مورد چگونگی و تهیه آن اعلامیه تحقیقات مفصل و دامنه‌داری به عمل آمده است که در پرونده امر منعکس و مضبوط است و به موجب آن روشن گردید که مینوت اعلامیه مورد بحث وسیله آقای مهندس عزت‌الله سبحانی متهم ردیف چهارم تهیه و پس از آنکه مورد مشورت آقایان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی قرار گرفته است، به وسیله آقای علی‌بابایی متهم ردیف شش اظهارنظرهایی نسبت به آن شده است.

متن این اعلامیه پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تهیه شده و ضمن آن مردم را تحریک و تحریص به انقلاب و برهم زدن رژیم نموده‌اند. در این اعلامیه به نحو بارز و آشکار نسبت به مقام سلطنت اهانت نموده و چنین می‌نویسد:

«باید انعام کرد که شخص اول مملکت خود عامل و مقصر اصلی این عملیات به‌شمار می‌رود زیرا ایشان بودند که پا را جلوتر و فراتر از هر کس دیگر گذاشته و از حدود طبیعی و قانونی خویش خارج شده و بنا به اعترافات مکرر خود به حقوق مردم و قوای مقننه و قضاییه و مجریه تجاوز علنی کرده و از هر موقعیت جهت تشکیل میتینگ و رجزخوانی‌های خلاف حقیقت و اهانت به مقدسات ملت در قم و مشهد و در هر موقعیت دیگر، دائماً به تحریک اعصاب و برانگیختن نفرت و انزجار مردم پرداخته تا اینکه شعارهای مردم قیام‌کننده روز چهارشنبه، مستقیماً علیه شخص ایشان بوده است.»

و بالاخره در پایان اعلامیه چنین توضیح داده شده است:

«... اینجاست که شدت این قیام و شهادت و ایمان و از خودگذشتگی قیام‌کنندگان دریچه

امید به سوی نجات و سعادت ملت ایران می‌گشاید و هاتف الهی از ورای قوانین و نوامیس خلقت و جهان اسباب فریاد می‌زند، ایرانی بیدار شو، به رستاخیز خود ادامه ده و از راه حق و حقیقت منحرف نشو، صبح امید نزدیک است و پایه‌های کاخ ظلم، نزدیک فروریزی است.»

آقای علی‌بابایی پس از مطالعه متن اعلامیه مزبور و مشاوره با آقایان مهندس بازرگان و دکتر سبحانی، اظهارنظرهایی نسبت به متن اعلامیه مزبور می‌نماید که این اظهارنظر به‌خط خود او بوده و دو قسمت آن ذیلاً درج می‌شود.

۱- روح کلی این نامه بالخصوص شهادت تصریحات در مقدمه نامه حاکی است که ما تصدیق داریم این جنبش یک انقلاب بوده و علاوه بر این سند می‌دهیم که ما طرفداران و هواداران چنین انقلابی هستیم و تلویحاً در آن دست داشته‌ایم به این هم اکتفا ننموده دعوت به انقلاب و طغیان عملی بر ضد قوانین و نظامات موجود نموده‌ایم. درست است که این قیام عمومی ملت در مقابل دستگاه حاکمه بالخصوص مظاهر شاخص و مشخص آن بوده است و آرزوی همه است که این قیام یا انقلاب تکمیل گردیده و با سرسختی هر چه بیشتر دنبال شود و لیکن از جهات گوناگون ما نمی‌توانیم این‌گونه تمنیات باطنی خودمان را برملا کرده و به نام جمعیت و هیئتی منتشر کنیم.

۲- اظهار این مطالب به این صراحت منطبق با مواد مربوطه به قیام عمومی به ضدیت با سلطنت مشروطه و جای دفاعی باقی نمی‌گذارد. راست است که دستگاه مقابل برای مشروطیت و سلطنت مشروطه چیزی باقی نگذاشته ولیکن ما را که به محاکم سوئیس و جامعه ملل برای محاکمه نمی‌برند ما را در کشوری محاکمه خواهند کرد که آنها هم خود متجاوز و هم خود قاضی هستند پس بر ماست که با نهایت زیرکی و فطانت مقاصد اجتماعی یا احیاناً انقلابی خودمان را در لفافه‌های قانون مستتر کنیم و الا، ضایعات زیاد و نتیجه صفر خواهد بود.

توجه به جملات «لکن از جهات گوناگون تمنیات باطنی خود را برملا کرده» و «پس بر ماست که با نهایت زیرکی و فطانت مقاصد اجتماعی یا احیاناً انقلابی خودمان را در لفافه‌های قانونی مستتر کنیم» به‌خوبی می‌رساند که هدف اصلی این جمعیت غیر از آنست که به ظاهر تحت عنوان مرامنامه منتشر گردیده است.

ب - ضمن مدارکی که در مورد جمعیت مزبور به‌دست مأمورین انتظامی افتاده است اعلامیه‌ای خطاب به افسران و سربازان بدین شرح «سربازان و افسران مسلمان از مراجع دینی خود پشتیبانی کنید. سربازان مسلمان خود را قربانی... خائن و بی‌دین نکنید» که مینوت این اعلامیه به خط آقای سید محمود طالقانی و بنا به اعتراف سایر متهمین دستگیر شده، این اعلامیه با اقداماتی که آقای پرویز عدالت‌منش (همشیره‌زاده آقای طالقانی) معمول داشته در شیراز به چاپ رسیده و منتشر شده و تعدادی نیز به تهران حمل و به نشانی اشخاصی که به وسیله غیر نظامی طاهر آل‌ابراهیم (پسرخاله پرویز عدالت‌منش) تهیه و برای آنان ارسال شده است. مطالعه اعلامیه مزبور به طور آشکار هدف نهضت آزادی را روشن می‌کند و چون متن آن بسیار موهن می‌باشد از درج جملات و کلمات آن اعلامیه در اینجا خودداری می‌گردد.

ج - اعلامیه دیگری تحت عنوان «خطبه سیدالشهداء علیه‌السلام قبل از ورود به کوفه» توسط این جمعیت

تهیه و طبع و منتشر شده است که بنا به اعتراف آقای سید محمود طالقانی، متن ترجمه فارسی آن با متن عربی متفاوت است و فرمایشات حضرت سیدالشهداء علیه السلام را در ترجمه تحریف نموده و کلمه «تغییر رژیم» را در آن گنجانده‌اند که قصد و غرض ناشرین کاملاً واضح شده و هدف و رویه جمعیت نهضت آزادی ایران را روشن می‌نماید و مسلم می‌دارد این متظاهرين به اسلام در ترجمه خطابه معصوم هم برای نیل به مقصود، رعایت امانت ننموده‌اند و تصور می‌رود مراتب بالا کاملاً رویه و هدف نهضت آزادی را روشن و مبرهن می‌سازد و به نظر می‌رسد که احتیاجی به ذکر تمام موارد و شواهد دیگر که در پرونده منعکس است، نباشد.

د- نتیجه تحقیقات و دلایل اتهام:

۱) متهم ردیف ۱ آقای مهندس بازرگان؛ لازم است قبلاً با ذکر سوابق، بی‌ثباتی عقیده سیاسی نامبرده توضیح داده شود خلاصه آنکه مشارالیه قبلاً عضو حزب ایران که وضعیت محتاج به توضیح نیست بوده و هر چند عضویت خود را کتمان می‌نماید و اظهار می‌دارد فقط در جلسات آنها شرکت می‌کرده لیکن با توجه به همکاری صمیمانه با افراد مؤثر حزب و سخنرانی در جلسات رسمی حزبی، این اظهار صحیح نیست. اما بعد از مدتی از این حزب ظاهراً به‌عنوان آنکه با حزب منحل توده ائتلاف نموده است کناره گرفته و با جبهه ملی که با برنامه وسیع عوام‌فریبی در تلاش تحصیل قدرت بوده، نزدیک می‌شود و هر چند پس از قیام ۲۸ مرداد عموم ملت که این آقایان آن را کودتا معرفی می‌نمایند، دستگیر می‌شود لکن با استدعای عفو از پیشگاه مبارک ملوکانه و عذر تقصیرات، از زندان آزاد شده و ظاهراً مرد آرامی می‌شود ولی چون هدف شیطانی دایماً در او در سوسه بوده و او را راحت نمی‌گذاشته است در سال ۱۳۳۴ اقدام به تشکیل سازمانی به نام نهضت مقاومت ملی می‌نماید ولی چون از این بار هم طرفی نمی‌بندد، در سال ۱۳۳۹ که جبهه ظاهراً ملی به کارگردانی آقای اللهیار صالح اعلام می‌دارد به این مولود جدیدالولاده چسبیده و با آنکه به عنوان عضو شورای عالی انتخاب می‌شود معهداً به علت اصطکاک منافع شخصی با منافع شخصی گردانندگان جبهه ملی، بنای عناد و لجاج و اهانت به سران جبهه ملی را می‌گذارد تا آنجا که از طرف آقای دکتر کریم سنجابی به نمایندگی شورای مرکزی جبهه ملی، اعلامیه صادر و صریحاً اعلام می‌دارد:

«در این چند ماه اخیر اعضای نهضت مقاومت ملی، روسای جبهه ملی ایران را مورد حمله قرار داده‌اند و نسبت‌های ناروا به آنها داده‌اند که با دریافت مبلغی از هدف‌های مقدس خود دست برداشته و به‌دستکاری بعضی از عمال دولت برای ضربه زدن به جبهه ملی در تلاش هستند... الی آخر»

و چون آقای مهندس بازرگان و همکاران، خود را از اینجا رانده و از آنجا مانده می‌بینند به فکر بازی نو افتاده و به‌طوری که در مقدمه کیفرخواست توضیح داده شده در نیمه دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ همراه شش نفر دیگر تأسیس جمعیت نهضت آزادی را اعلام می‌دارد که این مراتب تلویحاً و صریحاً در جریان تحقیقات مورد تأیید مشارالیه می‌باشد اما با آنکه هدف خود را از لحاظ سیاست داخلی و از لحاظ سیاست خارجی ظاهراً در لفافه عباراتی متناسب با قوانین کشور اعلام می‌نماید ولی در عمل نه فقط از تحریک مردم به انقلاب و اغتشاش فرو گذار نمی‌نماید بلکه افسران و سربازان را هم تشویق به طغیان و عدم اطاعت می‌کند و

مدارک این ادعا اعلامیه‌های موجود در پرونده اوراق شماره ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۶۵ است و همچنین این آزادی‌خواه وطن‌پرست که هلاک و کشته وطن و استقلال وطن بوده از توسل به بیگانگان و تمنای کمک و همراهی آنان و تقاضای دخالت آنها در امور داخلی کشور خودداری نکرده و مدارک این مدعا تلگرافی است که به‌رئیس دولت مصر نموده، برگ ۱۷۶ پرونده و در مقابل اعلام تمام این اتهامات به ذکر آنکه من از نشریه «باحاشیه و بی‌حاشیه» خبر ندارم و از مفاد اعلامیه‌ها و نشریه داخلی جمعیت نهضت آزادی بی‌اطلاعم اکتفا نموده و این بی‌خبر و بی‌اطلاع نمی‌داند که رفقای صمیمی ایشان چه گفته‌اند. نویسنده و تنظیم‌کننده نشریه «باحاشیه و بی‌حاشیه» صریحاً اعلام می‌دارد که انتشار آن با اطلاع و موافقت آقای مهندس بازرگان بوده و اعلامیه‌های اخیر که متن آن در زندان به دست آمده با نظر ایشان تنظیم گردیده است که پس از تذکر این موارد، ناعلاج به شاخ دیگری پریده و می‌گوید مفاد این اعلامیه‌ها را مهندس سبحانی تهیه کرده به پدرش داده بود که با من مشورت نماید و این نمی‌داند که اگر بالفرض این مطالب حقیقت داشته باشد پس جماعتی با مقاصد مختلف و هدف‌های متفاوت او را دست انداخته‌اند. هر کس هر چه دلش خواست می‌نویسد و تحت عنوان نشریه داخلی جمعیت نهضت آزادی منتشر می‌کند. ولی نه چنین است. بررسی مفاد مجموع این اعلامیه‌هایی که رفته رفته به صورت تند و حاد درآمده و حاکی از نیات باطنی او و جمعیت او می‌باشد می‌رساند که در مخالفت او و همکارانش با اساس حکومت رژیم سلطنت مشروطه تردیدی نباید کرد. نوشته‌های آقای علی‌بابایی زیر پیش‌نویس اعلامیه اخیر، خلاصه آنکه ما نمی‌توانیم نیات باطنی خود را آشکار کنیم، موید این ادعا می‌باشد و عجیب نیست اگر کسی با عقیده مخالفت با رژیم مشروطه سلطنتی آن‌همه نسبت‌های ناروا به‌شخص اول مملکت بدهد و اهانت‌های صریح می‌نماید وقتی در مقابل بازپرسی قرار می‌گیرد و این مدارک یکی پس از دیگری در مقابل او گذارده می‌شود، می‌خواهد در جواب با نوشتن خیلی چیزهایی که درباره «باحاشیه و بی‌حاشیه» نقل شده است - باعث تأسف می‌باشد - از خود دفاع نماید. بنا به مراتب بالا، وقوع جرایم انتسابی از ناحیه مشارالیه محرز و هیچ یک از دفاعیات ایشان نمی‌تواند دافع اتهام بوده باشد.

۲) در مورد متهم ردیف ۲، آقای دکتر یدالله سبحانی که بنا به اعتراف شخصی در تحقیقات (برگ ۲۱ پرونده انفرادی)، عضو مؤسس جمعیت بوده‌اند و مستند به مدارک مذکور در باره متهم ردیف ۱، دفاع ایشان به اینکه می‌گوید در موقع انتقال از زندان قصر به قزل‌قلعه فرزندم آقای سبحانی متن این اعلامیه‌ها را به من داد که مطالعه کنم و من فرصت نکردم و بعداً مفقود شده است و من از مفاد آن اطلاعی ندارم، صحیح نیست (برگ ۷۹ پرونده). چه آنکه اولاً، از نتیجه تحقیقات معموله از آقای مهندس بازرگان و مهندس سبحانی و علی‌بابایی واضح است که این مطالب با توافق جمعی تهیه شده و موضوع بی‌اطلاعی در بین نبوده است. ثانیاً خود آقای دکتر سبحانی در جلسه تحقیقات مورخه ۴۲/۴/۱۳ نزد بازپرسی صریحاً اعتراف کرده‌اند (بسیاری از مطالب این چهار ورقه منطبق با مضامین و گفتگوهای که در اجتماع ما در زندان قصر صورت می‌گرفته، می‌باشد) (برگ ۸۰ پرونده انفرادی). بنابراین وقوع جرایم انتسابی از ناحیه متهم محرز و هیچ‌یک از دفاعیات ایشان نمی‌تواند دافع اتهام بوده باشد.

۳) در مورد متهم ردیف ۳، آقای سید محمود طالقانی، نامبرده در جریان تحقیقات، خود را عضو جمعیت

نهضت آزادی معرفی می‌نماید ولی به موجب اعلامیه منتشره (برگ ۱۳۲ پرونده مهندس بازرگان) و همچنین اظهارات آقای مهندس بازرگان و سایرین، مشارالیه عضو مؤسس این جمعیت بوده و اظهار می‌دارد سمت اینجانب علاوه بر مسئولیت‌های دینی و روحانی، تنها برای اینست که جوانها را با اصول اسلام و قرآن آشنا سازم (برگ ۴۲ پرونده) ولی در تمام اعلامیه‌های صادره از طرف جمعیت، آنچه رعایت نشده، اصول اسلام است. زیرا از هیچ‌گونه هتاک و اهانت و تحریص افراد به مخالفت با قواعد و نظامات اجتماعی که قرآن، هدف مقدس اسلام می‌باشد، خودداری نشده. متهم در جریان تحقیقات (برگ ۶۵ پرونده) در جواب سؤال بازرگو که پرسیده است شما به‌طور کلی بفرمایید با فراندوم مخالفید یا اینکه با مواد پیشنهادی و یا قسمتی از آن، اظهار می‌دارد در فراندوم به‌طور کلی درباره قانون و تفسیر آن با تغییر رژیم که همان مراجعه به افکار عمومی است درست ولی در موارد پیشنهادی اولاً درباره اصلاحات ملکی، اسلام خود نظری دارد که چون کشور اسلامی است و قانون اساسی هم تصریح دارد احتیاج به فراندوم ندارد و بی‌مورد است. درباره الغاء عنوان ارباب‌رعیتی مراجعه به آراء عمومی مسخره است و قرآن این عناوین را در هزار و چهار صد سال پیش الغاء کرده. سپاه دانش مخالفی ندارد تا محتاج به مراجعه به آراء عمومی باشد. تصویب نامه دولت هم اگر حق دولت است احتیاج نیست و اگر حق دولت نیست، باید در مجلس تأیید بشود. این اظهارات به کلی بی‌اساس است و از آن‌گونه مطالبی است که اگر هزار مطلب دیگر مشابه آن گفته بشود و عاقبت به‌صورت کتابی درآید خواننده پس از قرائت آن در خاتمه کتاب چیزی نفهمیده و نمی‌داند عاقبت نظر نویسنده چیست و به همین ملاحظه مختصر توضیحی داده می‌شود. اینکه متهم در هر کجا و در همه جا عنوان اسلام و هدف مقدس اسلام و دین را به میان می‌کشد هیچ مقصودی جز مشروع جلوه دادن مقاصد و نیت سوء خود ندارد و ملاحظه بفرمایید می‌گوید برای الغاء عنوان ارباب‌رعیتی، مراجعه به آراء عمومی، مسخره است و قرآن این عناوین را در هزار و چهار صد سال پیش الغاء کرده و مسلماً اگر ساده‌لوحی این مطالب را بشنود که قطعاً در مسجد هدایت هم بر منبر همین مطالب را ساده‌لوحان شنیده‌اند تصور می‌کنند که زمامداران فعلی بدعتی در دین گذاشته‌اند و یا خدای ناخواسته اصول محکم [و] متقن اسلام و بخصوص قرآن مجید را لازم به مراعات ندانسته‌اند در صورتی که درست حقیقت غیر از این است. زمامداران و مخصوصاً شخص شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاه که صفای باطن و وفای به سوگند معظم له مورد تأیید عام و خاص می‌باشد نه فقط بدعتی در دین نگذاشته‌اند بلکه از جهت توجه کامل به اصول مقدس اسلام و اینکه ملاحظه فرموده‌اید قواعد محکم و قوانین متقن اسلام در اثر اعمال غلط بعضی راهنمایان در بوت‌فراموشی افتاده در مقام اجرای اصول یکی بعد از دیگری برآمده‌اند. مثلاً حکم « اَنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ »^۲ را که نشانه بارز برادری و برابری برادران مسلمان می‌باشد، با الغاء عنوان ارباب رعیتی که پس از بعثت نبی اکرم به کلی نابوده شده بود و هوای نفس بعضی افراد به‌تدریج آن را احیا کرد، به‌موقع اجرا گذاشته‌اند. حالا به‌جای پشتیبانی و حمایت و خوشوقتی از اینکه چنین حکم متین، به‌موقع اجرا گذاشته شده و از متخلفین قویاً جلوگیری شده است، به‌اسم دین و به‌اسم اسلام و به‌اسم قرآن، آن را مسخره معرفی می‌نماید. در جلسه بازپرسی مورخه ۴۲/۲/۱۵ (برگ ۵۲ پرونده)، بازپرس پس از ذکر توضیحات لازم اشاره به مفاد اعلامیه مورخه ۴۱/۹/۱۲ و

۱. سوره حجرات / ۱۳ : بزرگوارترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

اعلامیه‌ای که تحت عنوان « فَضَّلَ اللهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَائِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا »^۲ از متهم سؤال کرده است که به این سئوالات پاسخ دهید:

۱- کدام مأموریت برادرکشی است که به افسران ارتش واگذار شده که آنها هم از انجام آن خودداری کرده‌اند؟

۲- مقصود از حالت صد در صد شاه سلطان حسین، چیست و کیست؟

۳- اینکه می‌گویید ممکن است بازی متوقف شود یا بار دیگر بازیگر اصلی به پشت پرده برود، وظیفه ما آنست که نگذاریم بازیگر پشت پرده برود و یا ایادی او را از مهلکه نجات دهد مقصود کیست و چیست؟ روشن بنویسید.

۴- شما که اینقدر سنگ ملت به سینه می‌زنید چگونه قیام ملت را در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتای ننگین و به دستور اربابان خارجی معرفی می‌نمائید؟

۵- چگونه به خود اجازه می‌دهید به این صراحت مردم را تحریص به مقاومت علیه حکومت فعلی بنمایید و چگونه می‌گویید هر کجا با آنان برخورد کردید در حلقه محاصره خود قرارشان بدهیم و تجهیزات آنها را ضبط کنیم و خودشان را توقیف نماییم.

۶- اینکه در اعلامیه مورخ ۱۶ آذر ۴۱ تصریح شده به‌خاطر دیکتاتور چنین می‌کنند زیرا او حافظ منافع استعمار است؟ مراد از او کیست، وجود دلیلی برای آنکه حافظ منافع استعمار است دارید؟ و بعداً در همین اعلامیه مردم را تحریص به برانداختن رژیم استبدادی می‌کنید آیا مقصود شما همین رژیم فعلی کشور است یا منظور دیگری دارید؟ جوابی ندارند و فقط به‌طور سربسته می‌گویند آنچه در نشریات مطابق اساسنامه جمعیت است قبول دارم و آنچه از این حدود خارج است مطرود می‌دانم و باز باز پرس سؤال می‌کند شما که عضو مؤسس و عضو مؤثری هستید چگونه نسبت به این نشریات بعضی را قبول دارید و بعضی را قبول ندارید. ایشان می‌گویند آنچه از نشریات به آن استناد می‌شود در غیاب اینجانب بوده و اگر انحرافی از افراد یا دسته، از جهت روش و اساسنامه برای اینجانب اثبات شود در مرحله اول می‌کوشم تا از انحراف باز دارم، در مرحله دوم چنین افرادی باید از جمعیت اخراج شوند و اگر روزی احساس کردم این جمعیت یا افرادی از آنها از این اصول منحرف شده و چاره برای اصلاح و هدایت آنها نداشتم وظیفه دینی می‌دانم که از عضویت چنین جمعیتی بر کنار شوم و از قرار استنباط شخصی اینجانب، برای باز پرس این توهم ایجاد شده که شاید این سخنان محمول برائت باشد و متهم فی‌الواقع سوءنیتی نداشته و به‌همین ملاحظات بوده است که در تاریخ ۴/۲/۴۲ قرار بازداشت مشارالیه به قرار التزام تبدیل و متهم آزاد می‌شود. اما به طوری که در مقدمه کیفرخواست توضیح داده شده، می‌بینیم که آن اظهار بی‌اطلاعی از مفاد اعلامیه‌ها و کیفیت انتشار آنها تجاهل و بسی دور از حقیقت بوده است و متهم پس از آزادی در نقاط مختلفی مخفی شده و شخصاً، رسماً اقدام به تهیه اعلامیه و فراهم نمودن موجبات انتشار آنها را می‌نموده است که از جمله اعلامیه با عنوان سربازان و افسران مسلمان از مراجع دینی خود پشتیبانی کنید به خط متهم می‌باشد و در ضمن نیت سوء متهم کاملاً مشهود است و به قدری این آقای روحانی نسبت‌های ناروا و بی‌ناموسی و اجنبی‌پرستی داده، من که به زعم

۲. سوره نساء / ۹۵: مجاهدان را با پاداشی بزرگ نسبت به وانشستگان [از جنگ] برتری داده است.

ایشان عمال یزید هستم، از تکرار آن شرم دارم و بعد هم با ارسال چنین اعلامیه به شیراز موجبات چاپ آن را فراهم کرده و قسمتی در شیراز، مقداری در تهران منتشر و برای بعضی از امراء و افسران ارشد ارتش با پست فرستاده شده است که اسامی آنها به خط فرستندگان در پرونده ضبط است و دفاع متهم در این قسمت این است که این اعلامیه را یک نفر درب منزل آورده و من با انتشار آن موافق نبودم. النهایه، یک رونوشت برای خود تهیه کردم و این خط من همان رونوشتی است که تهیه کردم ولی این اظهار برخلاف حقیقت است زیرا به طوری که در متن اعلامیه ملاحظه می‌شود بعضی کلمات یکبار و دوبار خط خورده و اصلاح شده، به کلمه دیگری تبدیل شده است در صورتی که ممکن نیست کسی از چیزی رونوشت تهیه کند و این طور با مخدوش کردن کلمات آن را تصحیح نماید که البته با دعوی اجتهاد این تصور صحیح نیست. بالجمله، با توجه به مراتب بالا و مفاد تمام تحقیقات معموله و اعلامیه‌های صادره وقوع جرایم انتسابی از ناحیه متهم محرز و هیچ یک از دفاعیات ایشان نمی‌تواند دافع ایشان بوده باشد.

۴) در مورد متهم ردیف ۴، آقای مهندس عزت‌الله سبحانی بنا به اعتراف شخصی در تحقیقات عضو جمعیت نهضت آزادی بوده و طبق اعتراف صریح او در تحقیقات برگ ۵۳ پرونده انفرادی مسئول و تهیه کننده اصلی نشریات نهضت آزادی از اواخر بهمن ماه ۱۳۴۱ بوده است با توجه به اظهارات آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر سبحانی و آقای احمد علی بابایی در تنظیم و تهیه اعلامیه‌ای که در زندان از آنها به دست آمده، شرکت داشته است و دفاع مشارالیه با اینکه هر فرد که دل در گرو عدالت داشت با انتشار حقایق باید وظیفه خود را انجام دهد، برای فرار از مجازات بوده و آنجا که تذکر داده می‌شود با این مطالب سراپا موهن و دعوت مردم به عصیان، چگونه می‌شود ارشاد کرد می‌گوید البته اگر کلماتی در یادداشت مورد بحث وجود داشته باشد که از آن استنباط غیر ادب شده باشد چون به مرحله انتشار و رسمیت نرسیده و به هیچ وجه، وارد طرح اتهام نمی‌تواند باشد یک ادعای بی‌اساس و بی‌وجه بوده و با توجه به آرای صریح و صریح، مفاد کلیه اعلامیه‌ها و اعتراف به عضویت در جمعیت، وقوع جرایم انتسابی از ناحیه او محرز و هیچ یک از دفاعیات دافع اتهام نمی‌تواند باشد.

۵) در مورد متهم ردیف ۵، آقای دکتر عباس شیبانی بنا به اعتراف شخصی در تحقیقات برگ ۲۱ پرونده، عضویت او در جمعیت نهضت آزادی محرز و تصریح می‌کند تمام مسئولیت‌هایی که متوجه نهضت آزادی می‌شود قبول دارد و بنا به اعتراف صریح، نامبرده مسئول انتشار نشریه «باحاشیه و بدون حاشیه» بوده که شماره‌هایی از آن در پرونده ضبط است و اضافه می‌نماید موافقت آقای مهندس بازرگان را هم برای انتشار آن گرفته‌ام. در تحقیقات معموله خود را عضو مؤسس معرفی می‌نماید و در دانشگاه هم برای نیات باطنی جمعیت فعالیت می‌نمود و به طوری که از مجموع تحقیقات او مستفاد می‌شود خیلی برای نیل به اسم و عنوان، از این راه نامشروع تلاش کرده است مفاد نشریات باحاشیه و بدون حاشیه چیزی جز قلب حقیقت و اهانت و اسائه ادب و مؤید نظریات باطنی اعضاء جمعیت نهضت آزادی ایران نیست و عجیب است که بعضی از این اعضاء، حتی اعضاء مؤسس از قبول مسئولیت بعضی از آن نوشتجات خودداری کرده‌اند و معلوم نیست پس چه کسی مسئول و جوابگو می‌باشد و دفاع به اینکه این اقدامات به خاطر هدایت هم‌وطنانم برای خدمت به مملکت بوده است تأثیری در دلایل موجود علیه نامبرده نداشته وقوع جرایم انتسابی از ناحیه او محرز،

هیچ یک از دفاعیات نمی‌تواند دافع اتهام بوده باشد.

۶) در مورد متهم ردیف ۶، احمد علی بابایی نامبرده در جریان تحقیقات عضویت خود را در جمعیت نهضت آزادی مکتوم می‌دارد و می‌گوید من طرفدار این جمعیت هستم و چون به وطن علاقمندم همیشه نشریه‌های آنها را می‌گرفتم و اشخاص مختلفی آن‌را به دست من می‌دادند ولی با توجه به اینکه آقای مهندس بازرگان او را از افراد مؤثری معرفی کرده و با توجه به نسخه خطی اعلامیه که هنگام انتقال زندانیان مزبور از زندان قصر به زندان قزل‌قلعه بدست آمده و متهم به خط خود نسبت به مفاد اعلامیه نظریاتی داده است و می‌گوید:

ما تصدیق داریم که این جنبش یک انقلاب بوده و علاوه بر این سند می‌دهیم که ما طرفدار و هوادار چنین انقلابی هستیم و تلویحاً در آن دست داشته‌ایم و اضافه می‌نماید این آرزوی همه است که این قیام یا انقلاب تعطیل نگردیده و با سرسختی هرچه بیشتر دنبال شود لیکن از جهات گوناگون ما نمی‌توانیم این‌گونه تمنیات باطنی خودمان را برملا کرده به نام جمعیت و هیئتی منتشر کنیم. مسلم است که نه فقط در جمعیت نهضت آزادی عضویت داشته بلکه از عناصر صاحب نظر هم بوده و از تمنیات باطنی جمعیت هم اطلاع کافی داشته است و بدین ترتیب عضویت او در جمعیت نهضت آزادی محرز و دفاع نامبرده به اینکه بازداشتن عده ای جوان از تحصیل محروم شده و عصبانی و ناراحت جز با زبان خودشان مقدور نیست، یا اینکه می‌گوید به نظر رسیده جمعیت‌های نامبرده هدف‌های قانونی دارند و علاقه‌مندی بنده هم به آنها فقط به این خاطر است که در مقابل نظریه صریح کتبی به خط خودش که به همکاران توصیه می‌نماید در متن اعلامیه مراقبت شود تمنیات باطنی آشکار نشود مسموع نیست و نمی‌تواند ارزش و اعتباری داشته باشد. با توجه به مدارک بالا و سایر مدارک مربوط به سایر متهمین از جهت اشتراک مسئولیت وقوع جرائم انتسابی از ناحیه متهم محرز بوده و دفاعیاتش نمی‌تواند دافع اتهام بوده باشد.

۷) در مورد متهم ردیف ۷، آقای ابوالفضل حکیمی نامبرده در جریان تحقیقات خود را عضو جمعیت نهضت آزادی معرفی نموده و به موجب صورت جلسه تنظیمی ضمیمه پرونده ضمن سایر اوراق و مدارک یک دستگاه ماشین پلی‌کپی از منزل وی کشف می‌شود و اظهار می‌دارد از تاریخ اسفند ماه سال ۴۱ نشریات نهضت آزادی را پلی‌کپی می‌کنم و بنا به اظهار وی پیش‌نویس این نشریه‌ها توسط آقای مهندس سحابی به ایشان داده می‌شده است (برگ‌های ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ پرونده) که نشانه فعالیت‌های نامبرده در پیشرفت نیات باطنی جمعیت می‌باشد و با توجه به مراتب بالا در مقدمه و دقت در مفاد اعلامیه که چاپ می‌نموده، وقوع جرایم انتسابی از ناحیه او محرز است و دفاع مشارالیه به اینکه چون نهضت آزادی ایران تازه تشکیل شده بود شغل یا مسئولیتی به بنده محول نشده، با کشف پلی‌کپی از منزل او و اعتراف به چاپ اعلامیه‌های متعدد که ظاهر آن حاکی از اهانت‌های شدید به مقامات عالی و باطن آن مبین هدف اصلی

جمعیت به منظور نیل به تمنیات باطنی می‌باشد انکار بی‌موردی است و برای فرار از مجازات می‌باشد و چون در جریان تحقیقات طرز تحویل‌گرفتن پیش‌نویس اعلامیه و اخذ پول برای تهیه کاغذ و لوازم چاپ از آقای جعفری و جریان چاپ و توزیع اعلامیه‌ها توضیح داده وقوع جرایم انتسابی از ناحیه او محرز و هیچ یک از دفاعیات نمی‌تواند دافع اتهام بوده باشد.

۸) در مورد متهم ردیف ۸، آقای مهدی جعفری نامبرده در جریان تحقیقات (برگ ۱۸۴ پرونده) عضویت خود را در جمعیت نهضت آزادی اعتراف می‌کند و با توجه به توضیحات مشروح و مفصل او گزارش مسافرت خود به شیراز (برگهای ۵-۶-۷-۸-۹ پرونده) و همچنین نامه‌های شخصی به نام عبدالکریم جوکار که تقاضای عضویت کرده و آقای مهندس بازرگان آن را جهت رسیدگی به آقای انتظار ارجاع نموده و مشارالیه گزارش داده است در جلسه ارتباطات مطرح چون آشنایی خیلی با ایشان نبوده و هیچ سابقه نداشت قرار شد آقای جعفری مسئول ارتباط فارس، شخصاً در این مورد بررسی و نتیجه را اعلام نماید، مسلم می‌شود که مشارالیه علاوه بر عضویت به نفع جمعیت در فارس فعالیت می‌نموده و طبق اظهارات و آقاری آقای ابوالفضل حکیمی مسئول ماشین پلی‌کپی و چاپ اعلامیه‌ها که می‌گوید پیش‌نویس اعلامیه‌ها و همچنین پول جهت تهیه کاغذ و لوازم چاپ از آقای جعفری می‌گرفتیم. در تهران هم در جریان تهیه پیش‌نویس اعلامیه‌های سرایا موهن و تأمین مخارج چاپ آن فعالیت و مسئولیت داشته و با توجه به مجموع مطالب بالا و اوراق مکشوفه از منزل نامبرده است و اینکه در مقابل سؤال بازپرس که پرسیده است که تبریک خطاب به سران کشورهای مصر و سوریه و عراق به وسیله چه کسی تهیه شده و صریحاً می‌گوید این تبریک را خودم تهیه کردم و به وسیله آقای حکیمی متهم ردیف ۷ چاپ و ارسال گردیده است و همچنین بنا به گفته پرویز عدالت‌منش در صفحه ۵ پرونده انفرادی این شخص اعلامیه خطاب به سران عشایر فارس را که در حال طغیان و شورش بوده‌اند تهیه و به وسیله علیرضا دستغیب جهت چاپ به شیراز فرستاده است. وقوع جرائم انتسابی از ناحیه او محرز و دفاعش به اینکه می‌گوید مقصود از تقاضای کمک، معنوی بوده است و به خیال خود کمک مادی را از کمک معنوی تفکیک و راه فرار برای خود باز می‌کند دفاع بی‌اساس است چه اقدام هر کس برای توسل به بیگانگان خاصه دولتی که با ایران روابطش قطع است اقدامی مذموم بوده و معلوم نیست این آقای که در اعلامیه‌های متعدد به نام مقامات عالی گستاخانه می‌تازد و نسبت تجاوز از حقوق و دخالت در کار و وظیفه دیگران را می‌دهد چگونه به خود اجازه می‌دهد که کمک یک اجنبی را برای دخالت در امور داخلی کشور خود عاجزانه تمنی کند.

۹) در مورد متهم ردیف ۹، پرویز عدالت‌منش این شخص عضویت خود را در جمعیت نهضت آزادی مکتوم می‌نماید ولی با توجه به اینکه اعلامیه خطاب به افسران و سربازان را از آقای سیدمحمود طالقانی که به خط خود ایشان بوده دریافت داشته و به دست آقای علی‌رضا دستغیب سپرده که به شیراز ببرد و به چاپ برساند و پس از چاپ و انتشار در شیراز مقداری از آن را به مرکز آورده و همین شخص بنا به اعتراف خودش اسامی افسران و نشانی آنها را تهیه کرده اعلامیه مزبور را با پست برای آنها فرستاده است و همچنین مسئول و مباشر پخش اعلامیه از طرف حبیب‌الله شهبازی‌یاغی و متجاسر بوده و در جریان تحقیقات صریحاً اقدامات خود را شرح داده است و نیز توضیح می‌دهد در جریان ۱۵ خرداد چگونه روی

باجه بلیط‌فروشی کنده شده و به وسط خیابان انداخته بودند رفته برای تهییج شورشیان سخنرانی کرده است و توضیحات و دفاعیات این آقا در تحقیقات که ادعای اصلاح وضع اجتماعی عامه دارد بی‌ارزش ولی خیلی خوشمزه است مثلاً راجع به اخذ مینوت اعلامیه از آقای سیدمحمود طالقانی همان اعلامیه خطاب به افسران و سربازان که به وسیله علیرضا دستغیب به چاپ رسانیده و در شیراز و تهران منتشر کرده است و در جواب سؤال بازپرس که آیا آقای طالقانی مینوت اعلامیه را برای چاپ به شما دادند می‌گوید خیر من یک روز رفته بودم منزل ایشان و مشغول چیزنویسی بودند و من یک ورقه کاغذ میان کاغذهای آقا دیدم آن را برداشتم گذاشتم در جیبم و آقا هم نفهمید بعد بردم بیرون دادم به علیرضا دستغیب آن را بخواند او هم گرفت و گفت بعد می‌خوانم و به تو پس می‌دهم ولی پس نداد بعد در شیراز چاپ کرد و مقداری هم آورد تهران به من نشان داد من گفتم چرا بدون اجازه چاپ کردی گفت کاری است شده بعد با هم یکی یکی آنرا داخل پاکت گذاشته برای افسران توسط پست فرستاده آن اظهار برای طرز به‌دست آوردن مینوت اعلامیه و این بیان طرز چاپ و انتشار آن چیزی جز پرت و پلا گویی نیست یا آنجا که سؤال می‌شود روز ۱۵ خرداد چه کردی می‌گوید روز ۱۵ خرداد ۲/۵ بعد از ظهر پس از صرف نهار (که البته نهار را ۲/۵ بعد از ظهر خورده) از اواسط خیابان قصر دشت آدمم طرف خیابان بوستان سعدی نرسیده به سلسبیل در آنجا دیدم عده‌ای پیراهن سیاه چوب بدست رسیدند و از من خواستند که به نفع تظاهرات آنها شعار بدهم و سخن‌پراکنی کنم منم رفتم روی یکی از باجه‌های بلیط‌فروشی از جا کنده شده و شعارهایی دادم ولی دیدم جمعیت به دو دسته تقسیم شده که لابد اثر شعار ایشان بوده است یک دسته به‌طرف غرب و یک دسته به‌طرف شرق رفته من ماندم و عده‌ای در حدود بیست نفر که رفتیم به طرف سرآسیاب اما من فقط رل تماشاچی را داشتم چون دیدم اینها بدون جهت باجه‌های بلیط‌فروشی را خراب می‌کنند بالاخره رفتیم تا خیابان کرج آنجا حمله کردند به ساختمان پیپسی‌کولا و آنجا را سنگ باران کردند من رفتم خودم را مقابل شیشه‌ها قرار دادم شاید این جماعت حیا کنند شیشه‌ها را نشکنند ولی حیا نکردند من هم خودم را به کنار کشیدم تا قوای انتظامی رسیدند، آنها را متفرق کردند. همچنین راجع به تحریک مردم به وسیله آقای سید محمود طالقانی می‌گوید ابوالحسن طالقانی گفت رفتم به دیدن آقای طالقانی در زندان قزل‌قلعه از حال و احوال ایشان پرسیدم و از آزادی ایشان جويا شدم ایشان گفتند نمی‌دانم ولی عقیده دارند که روز عاشورا در جلو دستجات مردم خطبه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام را بخوانند من این موضوع را به اضافه کلمه و جمله خطبه‌های معروف جهاد بر علیه ظلم و ستم حضرت علی علیه‌السلام از نهج‌البلاغه و کلمه منستراکسیون را از خودم اضافه کردم تا آخر اینها بدانند من هم کسی و کاره‌ای هستم اما با همه این فعالیت‌ها از دست مؤسسین نهضت آزادی هم دل خوشی ندارد و در آخرین دفاع می‌گوید راستش آنکه من در جوانی خوابی دیدم که در اثر آن خواب رفتم به مشهد ولی در مشهد هم خوابی دیدم که مجبور شدم برگردم به تهران. در تهران دنبال کارهای عمومی بودم و در احوال بزرگان تحقیق می‌کردم که یک مرتبه شنیدم جمعیت نهضت آزادی تشکیل شده رفتم فعالیت نموده با آنها همکاری کنم که در این دفاعیات دلایل اتهام وی به‌شرح مذکور در بالا بی‌وجه و اساس بوده وقوع جرایم انتسابی را از ناحیه او محرز می‌سازد و هیچ‌یک از این مدافعات نمی‌توان دافع اتهام او بوده باشد.

نوع بزه انطباق با قانون، عمل سه نفر متهمین ردیف‌های ۱ - ۲ - ۳، جزو مؤسسين جمعيت نهضت آزادي مي‌باشد و اين جمعيت مرام و رويه آن ضديت با سلطنت مشروطه ايران مي‌باشد و همچنين عمل متهمين ردیف‌ها ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ و ۹ از جهت عضويت مزبور جنایي منطبق با بند ۱ از ماده ۱ قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت و از جهات اهانت‌های مکرر و گستاخانه نسبت به مقام شامخ سلطنت از درجه جنحه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی می‌باشد و صدور حکم مجازات آنها با رعایت ماده ۲ الحاقیه به اصول محاکمات جزائی مورد تقاضاست و تاریخ و محل وقوع جرم، تهران، اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰، از تاریخ تشکیل جمعیت نهضت آزادی ضمناً پرونده به نام افرادی که پرونده آنان تا کنون ارجاع نشده یا دستگیر نشده‌اند مفتوح است.

دادستان سرهنگ فخر مدرس

هموطنان ارجمند و مبارز خارج از کشور:

شما خوب می‌دانید که نهضت آزادی تا کنون بارها امتحان رشادت و از جان گذشتگی خود را به ملت و در راه مصدق کبیر داده است. مدافعات مردانه و شجاعانه نهضتی‌ها در برابر دادگاه رسوای شاه خائن این بار نیز اصالت نهضت و اصالت راه نهضت را به ثبوت رسانید. نهضتی‌ها نشان دادند که در راه عقیده جهاد آشتی‌ناپذیری را آغاز کرده‌اند و در این جهاد از جان خود نیز گذشته‌اند.

از تمام دنیا صدای اعتراض علیه این دادگاه غیرقانونی و استعماری بلند است. شخصیت‌های بزرگ جهانی نظیر: برتراند راسل، ژان پل سارتر و رئیس انجمن جهانی حقوق بشر، همچنین روزنامه‌ها و رادیوها علیه این محاکمه اعتراض کرده‌اند. سندیکاهای دانشجویی و کارگری با دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور در رسوا ساختن رژیم منفور شاه صمیمانه همکاری نمودند. دانشجویان مبارز ایرانی با تظاهرات، تحصن در سازمان ملل و اعتصاب غذا یکپارچگی نهضت ملی ایران را به ثبوت رسانیدند.

از همه مهمتر تلگرافاتی است که از جانب حضرات آیت‌الله میلانی، شریعتمداری، روحانی و سایر مراجع تقلید به علامت پشتیبانی از محاکمه شوندگان توطئه و نقشه کودکانه دستگاه را برای بی‌دین جلوه دادن آنان خنثی ساخت.

ما از همه آنهایی که در این راه جانفشانی و از خود گذشتگی نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده و می‌خواهیم که تا نجات محاکمه‌شوندگان و پیروزی ملت ایران به مبارزه خود همچنان ادامه دهند.

دروم ما به رزمندگان نهضت که به فرمان مصدق در جهاد خود یکدنگی و استقامت بخرج می‌دهند.

نهضت آزادی ایران

تذکر:

چون ادعای نامه فوق پر است از اغلاط انشایی و دستوری لازم به تذکر که ما عین ادعای نامه را تکثیر نموده‌ایم و این اغلاط بی‌شمار یا از خود دادستان و یا به قولی از شخص اعلیحضرت است. ایشان هم که مقام غیر مسئول می‌باشند!!